

متن پرسش

سوال : باسلام و آرزوی توفیق،امروز که سخنان حضرت آیت الله محمدشجاعی را پیرامون طول اَمَل می شنیدم و بیان ایشان نسبت به این موضوع که طول اَمَل در واقع حالتی است قلبی که انسان حال غالبش این چنین باشد که حالاحالا در دنیا باقی است و فرصت زندگی دارد که این روحیه بنا به تعبیر پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله در کنار تبعیت هوا از مهلکات نفس است. سوال من اینجاست که بنا بر لطف الهی روحیه من بر اعتماد به وعده های صدق الهی و حسن ظن به خدا منطبق است. و بر این اساس چونکه خود را فردی ناخالص و دارای عیبهای زیاد در زندگی توحیدی می دانم اینگونه معتقدم که خداوند به من تا تصفیه کامل این رذائل فرصت می دهد و بر این اساس هم اکنون اصلا به یاد مرگ نیستم! به این عنوان که آماده رویارویی با مرگ باشم و این در حالی است که یکی از فتوحات حوائج من در درگاه الهی شهادت است اما اینگونه عقیده دارم شهادت مقدماتی می خواهد که از جمله ارکان آنها طهارت نفسانی است و حال چون من با طهارت فاصله بسیار دارم پس حالاحالا تا پاک نشوم مرگم نمی رسد. جناب استاد،این روحیه که گفتم در من غالب است و علت آن هم اعتماد به وعده های صدق خداوندی و حسن ظن به اوست. خواهش می کنم بفرمائید آیا من دچار طول اَمَل شده ام و به نام اعتماد بر خدا فریب شیطان را خورده ام یا اینکه این نوع نگاه به زندگی با ادبیات طول اَمَل متفاوت است. با کمال تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نباید برای خداوند تکلیف معلوم کنیم که حتماً قبول کرده تا ما از عیوب پاک نشویم ما را نمی برد و یا چون قبول کرده ما شهید بشویم پس شهادت شایستگی می خواهد پس حالا ما را نمی برد. ما هر لحظه باید آماده‌ی مرگ باشیم و توبه و اصلاح خود را به تأخیر نیندازیم. موفق باشید